

نقش و کارکردهای معنویت در مدیریت بحران‌های فردی و اجتماعی

داود کمیجانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۰

چکیده:

بحران‌ها، واقعیتهای اجتناب‌ناپذیر زندگی ما هستند. وقایعی که با پیچیده شدن زندگی، تنوع و گسترش بیشتری نیز یافته‌اند. البته تاریخ ثابت کرده است که تهدیدات بحران‌ها اگر مدیریت شوند، می‌توانند به فرصت‌های باارزشی تبدیل گردند. اما مدیریت بحران امر پیچیده‌ای است. در هنگامه وقوع بحران‌ها، روند متداول زندگی فرد و اجتماع، شدیدند به مخاطره می‌افکند. شرایطی که معمولاً تصمیم‌گیری‌ها تحت تأثیر باورهای فردی و ماورایی قرار می‌گیرند و کمتر منطق حاکم است! با بررسی تاریخ می‌تواند دریافت که رابطه معناداری بین میزان اعتقاد به «معنویت» و کیفیت رویاروی ملت‌ها با بحران‌ها فرارویشان وجود داشته است. اما گویا این رابطه آن‌گونه که می‌بایست تا حال تبیین نشده و هنوز این مسئله که «معنویت چه نقش و کارکردهای در مدیریت بحران‌های فردی و اجتماعی دارد؟» یک سؤال جدی است.

نویسنده در این مقاله بر آن است تا با بررسی شواهد تاریخی و مراجعه به متون دینی، نقش و کارکردهای معنویت در مدیریت بحران‌های فردی و اجتماعی را بررسی، تبیین و مبرهن سازد. البته فرض آن است که معنویت و باورهای ماورایی در افراد جامعه در تبیین و درک وقایع و تاب‌آوری به بحران‌ها فردی و اجتماعی، تأثیرات مثبتی دارد و علاوه بر بالا بردن میزان عقلانیت در مدیریت بحران، زمینه‌ساز نوعی آرامش، متانت و روحیه ایثار در افراد جامعه نیز می‌گردد. البته روش تحقیق در این مقاله کتابخانه‌ای و تحلیلی است و مصادیق آن واقعی می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: معنویت، جهان ماورا، بحران‌های فردی، بحران‌های اجتماعی، مدیریت بحران،

معنویت اسلامی

مقدمه:

در ۱۱ مارس ۲۰۱۱ میلادی، زمین‌لرزه‌ای به قدر ۹ ریشتر منطقه «سندای» در «استان میاگی» در شمال شرقی ژاپن را به لرزه درآورد^۱ و پس از آن سونامی هولناکی با امواجی به ارتفاع ۱۵ متر در سواحل ژاپن شد. ۲ در پی آن علاوه بر تخریب شدید جاده‌ها و راه آهن و ایجاد آتش سوزی در برخی مناطق ژاپن، تعدادی از ژنراتورها الکتریکی از کار افتاده‌اند و حداقل سه راکتور هسته‌ای در پی انباشته شدن گاز هیدروژن منفجر شده‌اند.^۳ بیش از ۱۸ هزار نفر در این سونامی جان خود را از دست دادند^۴ که پیکر ۲۵۳۱ نفرشان هرگز پیدا نشد.^۵ حدود ۴/۴ میلیون خانوار در شمال شرقی ژاپن بدون برق و ۴/۱ میلیون نفر بدون آب مانده‌اند.^۶ بدین سان مردم ژاپن با یک بحران بسیار بزرگ زیستی و اجتماعی روبرو شدند.

اما ناظران خارجی با کنجکاو و تعجب به رفتار مردم مناطق فاجعه‌زده ژاپن می‌نگریستند. رفتار توده کثیری از ژاپنی‌ها در بزرگ‌ترین فاجعه و زیان‌بارترین زلزله جهان، مثال‌زدنی و پندآمیز است. آرامش و متانت و همیاری آنان در مواجهه با این بلای بزرگ بسیار عالی و بی‌نظیر می‌نمود. آن‌ها با پذیرش فاجعه بدون شیون و زاری افراطی، خود را در همان شرایط نیز ملزم به رعایت ادب و حقوق انسانی یکدیگر می‌دانستند.

عدم وجود بیماری‌های جمعی، عدم وجود تجاوز به عنف، عدم درگیری و خشونت، عدم دزدی و غارت فروشگاه‌ها و... در طول مدت نسبتاً طولانی بحران، صاحب‌نظران را بر آن داشت که به پیگیر ریشه‌های این رفتار بپردازند. آنان به این نتیجه برسند که این رفتار موقرانه ژاپنی‌ها از اعتقادات معنوی و تکیه عمیق آنان به فرهنگ و افسانه‌های کهن سرزمینی و اسطوره‌های ملی‌شان نشئت گرفته است. آنان توانستند با کمک همین معنویت اسطوره‌ای که حتی در زندگی روزمره‌شان جاری است

1 -NHK World, television broadcast, March 13, 2011, 03:30 UTC

2 - "Magnitude 8.9 – NEAR THE EAST COAST OF HONSHU, JAPAN 2011 March 11 05:46:23 UTC". (USGS). سازمان زمین‌شناسی آمریکا. Retrieved 11 March 2011.

3 - "IAEA Update on Japan Earthquake". IAEA. 16 March 2011. Retrieved 16 March 2011.

4 - <https://www.theguardian.com/world/2011/aug/24/the-school-beneath-the-wave-the-unimaginable-tragedy-of-japans-tsunami>

5 - https://www.npa.go.jp/news/other/earthquake2011/pdf/higaijokyo_e.pdf

6 - "World English". NHK. 12 March 2011. Archived from the original on 23 July 2012. Retrieved 12 March 2011.

بحرانی به این بزرگی را با موفقیت مدیریت کنند. این سرمایه معنوی سبب شد تا مردم مصیبت‌زده، آرامش عجیبی داشته باشند و با وجود اینکه میزان تأثر و اندوه بسیار بالا بود، حتی یک مورد سوگواری شدید یا زدن به سروصورت دیده نشد. متانت ایشان نیز چشمگیر بود، جمعیت انبوهی در صفوف منظمی برای کسب آب و غذا می‌ایستادند، و در طول مدت توزیع بدون هیچ درگیری یا رفتار خشن، همدیگر را دلدارای و کمک می‌کردند. آنان نسبت به هم رحم و شفقت داشتند و فقط اقلام موردنیاز روزانه خود را تهیه می‌کردند بدین سبب همه موفق شدند مقداری آذوقه تهیه کنند.

باورهای معنوی و اعتقادی ماورایی آنان به همراه نظم اجتماعی، آموزش عمومی سبب شد تا ژاپنی‌ها رفتاری آموزنده از خود بروز داده بحران را مدیریت کنند: نظم اجتماعی آن‌ها مثال‌زدنی بود، در طول بحران، اثر غارتگری دیده نشد حتی یک خودپرداز بدون محافظ دست‌نخورده مانده بود. هیچ موردی زورگویی یا درگیری برای ربودن اموال، مشاهده نشد. در عوض موارد بسیاری از تفاهم به چشم می‌خورد که قابل تحسین بود. بسیاری از رستوران‌ها قیمت‌های خود را کاهش دادند. اما شاید بهترین جلوه این معنویت در ایثار و ازجان‌گذشتگی پنجاه نفر از کارگران نیروگاه‌های اتمی در خطر انفجار بود که در سر پست‌های خود باقی ماندند تا روند خنک‌سازی راکتورها ادامه داشته باشد. جالب آنکه رسانه‌ها هم در انتشار اخبار بسیار خوددار بودند. خبرها را حکیمانه و به‌دوراز غرض‌ورزی جناح‌بندی اعلام می‌کردند و سعی داشتند با ارائه گزارش‌های آرام‌بخش، شرایط را برای مصیبت‌زدگان قابل‌تحمل‌تر کنند. البته آموزش‌های اجتماعی و تمرین‌های مقابله با بلایای طبیعی نیز خیلی مؤثر بود. این آموزش‌ها سبب شده بود تا همه اهالی مناطق فاجعه دیده، از بچه تا کهن‌سال‌ها دقیقاً بدانند چه باید بکنند و دقیقاً همان کار را انجام می‌دادند.^۱

در پی بازتاب این واقعه، مبحث «کارکردهای معنویت در تقویت رفتارهای اجتماعی به‌ویژه در مقوله مدیریت بحران‌ها، موردتوجه متخصصان امور اجتماعی و سازمان‌های دولتی مربوطه و حتی سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) امدادی و سازمان ملل قرار گرفت. این سؤال که «نقش و کارکردهای معنویت در مدیریت بحران‌های فردی و اجتماعی چیست؟» به‌عنوان یک مسئله کاربردی و کارآمد در مدیریت اجتماعی مدنظر قرار گرفت.

پیشینه تحقیق

درباره موضوع مورد مطالعه، ابعادی از آن مورد مطالعه پژوهشگران قرار گرفته است. یعقوبی (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «رابطه بین معنویت و بهداشت روان» نشان داد، رابطه معنادار بین معنویت و بهداشت روان وجود دارد. ناصر مهدوی در پژوهشی با عنوان «بحران معنویت و پیام عارفان مسلمان به انسان مدرن...» ابتدا با بحثی پیرامون انسان مدرن، به بررسی تحولات دوران مدرنیته و تأثیر آن در جوامع بشری و تغییرات نگرش انسان‌ها پیرامون جهان هستی پرداخته و در این راستا به ارائه ویژگی‌ها و مؤلفه‌های انسان مدرن و منشأ بحران دوران مدرنیته و ابعاد بحران‌های انسان مدرن می‌پردازد. در پژوهشی دیگر به وسیله المرزا و همکاران (۲۰۰۰) با عنوان اثرات معنویت بر سلامت فرد انجام گرفت که نتایج نشان‌دهنده این بود که معنویت با بیماری کمتر و با طول عمر بیشتر همراه است. لیچ و راسل پژوهشی با عنوان رابطه بین معنویت و بخشش انجام دادند و به این نتیجه دست یافتند که شخصیت نقشی مهم در بخشش دارد و همبستگی معناداری بین بخشش با معنویت به دست آمد... تفاوت بنیادین موضوع مورد مطالعه در این پژوهش با دیگر پژوهش‌های مشابه آن است که در این مقاله جامعه هدف، ملت بزرگ ایران هستند که در عرصه جامعه ایران و در فرهنگ ملی مذهبی آن که اسلام شیعی است مورد بررسی قرار می‌گیرد و گزاره‌های معنویت آن از مبانی و ارزش‌های متعالی دینی استخراج می‌گردد.

مفاهیم و مبانی نظری پژوهش

- بحران

بحران، واقعیتی اجتناب‌ناپذیر در زندگی اجتماعی است. بحران‌ها در ذات خود بستر شکل‌گیری تهدیدها و فرصت‌هایی هستند که برحسب نوع، شدت و گستره محیطی بحران، می‌تواند نظام سیاسی و مدیران حاکم را در شرایط دشوار و پرمخاطره‌ای قرار دهند. بر اساس داده‌های سازمان ملل متحد، از سال ۱۹۹۰، بیش از ۱۰ هزار و ۷۰۰ فاجعه در جهان اتفاق افتاده است که در مجموع بیش از شش میلیارد نفر در سراسر جهان را تحت تأثیر قرار داده است. لذا تلاش برای کاهش و مدیریت بحران‌های اجتماعی یک امر مهم و بین‌المللی است. هم‌اینک در سازمان ملل سازمانی به نام «مدیر استراتژی بین‌المللی کاهش بلایای سازمان ملل» (ISDR) متصدی پیگیری این امر است. حتی برای

جلب توجه عمومی به این امر 13 اکتبر مصادف با ۲۱ مهرماه در تقویم جهان، به عنوان روز بین‌المللی کاهش اثرات بلایای طبیعی نام‌گذاری شده است.^۱ در خصوص بحران تعاریف متعددی ارائه شده است؛

- بحران یک واقعه بی‌سابقه است که یک‌مرتبه اتفاق می‌افتد، درحالی‌که افراد فرصت کافی برای مقابله با آن را ندارند.
- بحران هر واقعه‌ای است که باعث شود یک فرد یا جامعه از نظم خود، خارج شده و منافع پنهان و آشکار آن را به مخاطره بیندازد.
- بحران مقطع حیاتی، لحظه تعیین‌کننده، زمان خطر و بلا تکلیفی است.
- بحران نقطه اوج یک تنش یا یک کشمکش است.
- بحران واقع کوتاه‌مدتی است که فرصت برای مدیریت آن کم بوده و خارج از کنترل است.
- بحران به هم‌ریختگی حالت تعادل، به گونه‌ای که بین نیازها و منابع انطباق وجود نداشته باشد.^۲

از مجموعه این تعاریف می‌توان نتیجه گرفت که واژه «بحران» اصطلاحاً به شرایطی اطلاق می‌شد که روند متداول زندگی فردی یا اجتماعی انسان را به مخاطره می‌افکند. در «دانشنامه عمومی» در مورد مفهوم بحران آمده است «بحران پیشامدی است که به صورت ناگهانی و گاهی فزاینده رخ می‌دهد و به وضعیتی خطرناک و ناپایدار برای فرد، گروه یا جامعه می‌انجامد. بحران باعث به وجود آمدن شرایطی می‌شود که برای برطرف کردن آن، نیاز به اقدامات اساسی و فوق‌العاده است.»^۳ هرچند بدون این تعاریف نیز بحران یک مفهوم ذهن‌آشناست و هرکسی در تاریخ ملی خود و حتی زندگی شخصی و اجتماعی خود نوعی از آن را تجربه نموده است. البته چنانکه اشاره شد، بحران‌ها بر دو گونه هستند:

- ۱- **بحران‌های فردی:** منظور از بحران‌های فردی، لحظاتی است انسان در شرایط مخاطره‌آمیز غیرمتداولی گرفتار شده باشد. به گونه‌ای که روند زندگی او به چالش کشیده شود. البته بحران‌های

۱ - روز پنجم دی ماه مصادف با واقعه زلزله بم در تقویم رسمی کشور روز ملی ایمنی در برابر زلزله نامگذاری شده

است

۲ - مطرح شده در بولتن اولین کنگره بین‌المللی خواجه نصیر الدین طوسی، دانشگاه خواجه نصیر الدین طوسی ۱۳۸۱

۳ - <https://abadis.ir/fatofa>

فردی خود بر دو گروه قالب تفکیک هستند. گروهی از آنها، بحران‌هایی هستند که خود شخص در پدید آمدن آن دخالت مستقیمی ندارد بلکه حوادث و عوامل زیستی عامل بروز آن شده است. مانند تصادفات غیر عمد، حوادث خسارت‌بار، مبتلا شدن به بیماری‌های لاعلاج (سرطان، آلزایمر و ...) و اما گروهی دیگر، بحران‌هایی هستند که به نوعی خود انسان در گرفتار شدن در آن دخیل بوده است و به اصطلاح «خودکرده» است. مانند؛ ورشکستگی مالی، گرفتاری‌های قضایی، زندانی شدن و ...

۲- **بحران‌های اجتماعی:** بحران‌های اجتماعی نیز بر دو گروه است. گروهی بحران‌هایی هستند که در پی بلایای طبیعی پدید می‌آید یعنی عامل آن حوادث طبیعی است. این گونه بحران‌ها عمدتاً قابل پذیرش بوده و مقصر خاصی ندارد. بلایایی مانند سیل یا زلزله، گردباد، سونامی، تگرگ، ریزش بهمن، رعدوبرق، تغییر شدید درجه حرارت، خشک‌سالی، آتش‌فشان... مدیر استراتژی بین‌المللی کاهش بلایای سازمان ملل متحد (ISDR)، «۴۳ بلای طبیعی را تعیین نموده‌اند. از آنجاکه اجتناب از بروز این بلایا تقریباً امکان‌پذیر نیست، آموزش عمومی و تقویت استحکامات و تجهیزات و ... بسیار مدنظر است. اما گروهی دیگر از بحران‌ها، آن‌هایی هستند که به دلیل اعمال انسانی به وجود می‌آید و عامل آن رفتارها و اندیشه‌های انسانی است. مانند جنگ یا شورش‌های اجتماعی، آشفتنگی اقتصادی و ... بروز این گونه بحران‌ها همیشه متهم دارد. از آن‌جهت که برخی از موارد این بحران‌ها قابل اجتناب هستند. بیشتر تقویت قانون مداری و انسجام اجتماعی و رشد فرهنگی و ... بیشتر مورد توجه قرار دارد.

البته لازم به ذکر است که در کنار تقسیم‌بندی فوق، برخی نیز تعابیر بحران‌های دوران مدرن را به‌کاربرده‌اند. که در حقیقت می‌توان منشأ بحران‌های دوران مدرن را در مؤلفه‌هایی همچون غلبه عقل ابزاری و غفلت از عقل شهود دانست^۱ که البته محل بحث ما نیست.

- مدیریت بحران

از مدیریت تعریف‌های گوناگون ارائه شده، ولی قدر مشترک تعریف‌ها این است که مدیریت، استفاده بهینه از منابع انسانی و غیرانسانی به منظور تحقق اهداف از پیش تعیین شده با توجه به قوانین حاکم است. استاد مطهری مدیریت را عبارت از فن بهتر بسیج کردن و بهتر سامان دادن، بهتر سازمان

دادن و بهتر کنترل کردن نیروهای انسانی و به کار بردن آن‌ها بیان می‌کند.^۱ فرایند پیش‌بینی و پیشگیری از وقوع بحران، برخورد و مداخله در بحران و بازیابی بعد از وقوع بحران. به بیان «مک کارتی»^۲ هدف اصلی مدیریت بحران، دستیابی به راه‌حلی معقول برای برطرف کردن شرایط غیرعادی به‌گونه‌ای که منافع و ارزش‌های اساسی حفظ و تأمین گردد. در بیان عرصه‌ها و مراحل مدیریت بحران نظریات مختلفی ارائه شده که بسیار به هم نزدیک است اما در یک جمع‌بندی کلی و با عنایت به ساده‌سازی مطالب، مدیریت عمده بحران‌ها را می‌توان اختصاراً در چهار عرصه تبیین و اجرا نمود:

۱- عرصه پیشگیری: در مدیریت بحران، به مجموعه اقداماتی که در جهت جلوگیری از به وجود آمدن عامل یا عوامل بحران انجام می‌گردد، «پیشگیری» گفته می‌شود. شامل بهسازی ساختمان‌ها، زیرساخت‌های حیاتی و حساس و مهم بافت‌های فرسوده، ایجاد روش‌های جبران خسارت (بیمه) و... در واقع هر اقداماتی که در خصوص جلوگیری از طغیان احتمالی رودها به عمل می‌آید و یا اقداماتی که دولت‌ها برای جلوگیری از بحران‌های اقتصادی یا سیاسی یا عدم وقوع جنگ، به آن متوسل می‌شوند در عرصه پیشگیری مدیریت بحران قرار دارد. البته این عرصه از مدیریت بحران در مبحث «پدافند غیرعامل»^۳ مورد توجه و اجرا قرار دارد.

۲- عرصه آمادگی: مجموعه اقداماتی را شامل می‌شود که هدف آن‌ها بالا بردن آمادگی و تاب‌آوری بیشتر فردی و جمعی، جامعه در مواجهه با بحران است. اقداماتی مانند برنامه‌ریزی، تدوین شیوه‌ها و آموزش و فرهنگ‌سازی و جمع‌آوری و ایجاد بانک اطلاعات، تأمین مکفی منابع و امکانات نرم‌افزاری، هماهنگی ستادهای دستگاه‌ها و بین دستگاهی. در واقع هدف مقوله آمادگی در مدیریت بحران، در اختیار گرفتن و محدود کردن عامل یا عوامل بحران است تا فرد و جامعه هر چه بهتر و کم آسیب‌تر با بحران

^۱. خنیفر، ۱۳۸۸: ۱۳۵

^۲ - Joseph Raymond "Joe" McCarthy: (۱۹۰۸ - ۹۵۷ م) سیاست‌مدار آمریکایی که ده سال

سناتور جمهوریخواه از ایالت ویسکانسین بود.

^۳ - Passive Defense

روبرو شویم. مانند تهیه و آماده سازی تجهیزات، تدارکات کیسه های شنی که مسیر آب سیل را منحرف می کند و یا کنترل مطبوعات یا جلوگیری از گسترش درگیری ها در هنگامه روابط خصمانه بین دو کشور و ...

۳- **عرصه مقابله:** تبیین یک ساختار اجرایی مرحله ای و زمان بندی شده برای مقاومت و سپس کاهش تدریجی بحران تا سرانجام به اتمام برسد. مانند صدور فرامین و ابلاغ حکم های مأموریت های لازم، انجام خدمت و کمک رسان به بحران زدگان، انجام خدمات اضطراری حین بحران و ...، البته طبق مقررات و دستورالعمل های مربوطه. مثل کمک رسانی های اولیه و ثانویه به سیل زدگان و یا آسیب دیدگان زلزله صورت می گیرند.

۴- **عرصه بازسازی:** مجموعه اقداماتی است که برای ترمیم خسارات و بهبود شرایط محیطی بحران زدگان صورت می گیرد. مثل لایروبی و پاکیزه سازی شهر پس از سیل و اقدام برای بازسازی معابر و ساختمان های آسیب دیده. این عرصه ها در بحران های فردی نیز تقریباً با همین مفاهیم و به همین ترتیب مطرح است تنها در مصادیق و موارد، قدری باهم متفاوت هستند.

- معنویت

با توجه به زمینه های مختلف به کارگیری واژه معنویت، ارائه تعریف واحدی که مورد قبول همگان باشد، مشکل است. معنویت نیاز ذاتی انسان برای ارتباط با چیزی فراتر از ماست. معنویت پاسخ مثبت به نیازهای درونی و گرایش های فطری است. معنویت پیوند انسان با خدا و عالم باطن است و اصالت را به معنا و متافیزیک دادن^۱.

در اسلام منظور از معنویت برخورداری از ارزش های اعلای انسانی هم چون ایمان به خدا، احترام و تکریم دیگران، پذیرش دیگران، تقوا، خدمت، خوش بینی و صداقت به صورت عام و جهان شمول است. معنویت در جامعه ایرانی، مبتنی بر دین است و بدین معنا که تعالیم و آموزه های دین اسلام

^۱. رودگر، ۱۳۸۵: ۴۱-۶۶

شکل دهنده معنویت هستند. سرچشمه معنویت اسلامی، قرآن کریم و فرموده‌های حضرت محمد (ص) (و ائمه اطهار (ع) است.^۱

معنویت اسلامی با مدیریت اسلامی، ارتباطی تنگاتنگ داشته و عامل تقویت، توسعه و توفیق حکومت و مدیریت یا کارآمدی بیشتر نظام اسلامی می‌شود؛ چنانکه در سیره سیاسی پیامبر اعظم (ص) (و امام علی (ع) (دیدهایم و همان‌طور که در سیره حکومتی حضرت امام خمینی (ره) نیز مشاهده کرده‌ایم. پس در معنویت اسلامی، چند مؤلفه مهم وجود دارد؛ ۱: معرفت اسلامی ۲: عقلانیت اسلامی ۳: عبودیت اسلامی ۴: وظیفه‌گرایی و خدمت به جامعه برای تحصیل رضای خدا ۵: راه‌های برون‌رفت از همه مشکلات و چالش‌های روزآمد حکومتی، که تنها با تعبد و توکل ممکن و میسر است ۶: طراوت همیشگی و خستگی‌ناپذیری در خدمت به مردم و محرومان. در دیدگاه اسلام معنویت ریشه در مذهب دارد و مذهب عامل اصلی تقویت و تشویق معنویت در افراد و سازمان‌ها تلقی می‌شود.^۲

- ایران و بحران‌ها

بروز بحران‌ها و چگونگی عبور از آن‌ها در کشور ما ایران، موضوعیت جدی‌تری دارد. ما ایرانیان به دلیل زندگی در کشور نسبتاً وسیع که از اقلیم‌های متنوعی برخوردار است و به دلیل واقع بودن در موقعیت جغرافیایی خاصی، از آب‌وهوای متغیری برخوردار هستیم، همیشه در معرض بلایای طبیعی و بالتیجه بحران‌های در پی آن هستیم. چنانکه به گفته معاون آمادگی و مقابله سازمان مدیریت بحران وزارت کشور، «از مجموع ۴۳ فقره بلایای طبیعی در جهان، تقریباً ۳۳ نوع آن در ایران رخ می‌دهد.»^۳ اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. ایران هم‌اینک به‌عنوان یکی از ۱۰ کشور بلاخیز جهان به شمار می‌رود. چنانکه بنا بر آمار رسمی، در ۹۰ سال گذشته، بیش از ۲۰۰ هزار نفر از مردم کشورمان بر اثر بلایای طبیعی کشته شده‌اند که از این تعداد حدود ۷۶ درصد بر اثر زلزله، ۱۳ درصد بر اثر سیل و ۱۱ درصد بر اثر سایر بلایای طبیعی بوده است.^۴

۱. نادری، ۱۳۸۹: ۱۱۹-۱۳۸.

۲. مشیکی، ۱۳۸۵: ۱۷۷-۲۰۰.

۳. بخشی از سخنان مرتضی اکبرپور، معاون وقت، آمادگی و مقابله سازمان مدیریت بحران وزارت کشور، روز یکشنبه

۲۶ آبان ۱۳۹۲ در نخستین دوره آموزشی مدیریت بحران در محله در قزوین

۴. همان

به این عوامل، تعارضات منطقه‌ای، اختلافات مذهبی، مبارزه با استعمار، و محافظت از انقلاب اسلامی، نیز باید افزود. عواملی که هرکدام می‌توانند بستری برای ایجاد بحران‌های اجتماعی مهمی در ایران و منطقه گردند. تاریخ صدساله ایران گواه این مدعاست ملت ایران بحران‌های متعددی را از سر گذرانده است. از انقلاب مشروطه، تا اسارت ایران در کمند استعمار و استبداد پهلوی؛ گرفتار شدن در جنگ جهانی دوم، تا نهضت ملی شدن نفت و وقوع انقلاب اسلامی و پس از آن گرفتار شدن در فتنه منافقین و هم‌زمان درگیری در یک جنگ نسبتاً طولانی و فرسایشی ایران و عراق و ...، هرکدام بحران‌های بزرگی بودند که می‌توانست حیاطت یک ملت را به مخاطره بیندازد.

با بررسی تاریخ معاصر، می‌توانی اذعان کرد که ملت ایران توانسته با قدرت با این بحران‌ها روبرو شده و با مدیریتی نسبتاً موفق از آن‌ها عبور کند؛ و هم‌اینک به‌عنوان ملتی مقاوم، باتجربه و قدرتمند در همه دنیا شناخته شود. بی‌شک یکی از مهم‌ترین عوامل مهم این تاب‌آوری بالا و این استحکام اجتماعی و سیاسی قابل قبول، عنصر مهم معنویت بوده است. چنانکه به گفته رهبر معظم انقلاب یکی از عوامل مهم قیام، مقاومت و عبور موفق ملت ایران از این بحران‌ها معنویت و ایمان آرمان خواهانه آنان بوده است: «آنچه یک ملت از این طریق و از طرق معنوی به دست می‌آورد، یک پشتوانه‌ای می‌شود، ذخیره‌ای می‌شود برای اینکه بتواند در همه میدان‌های زندگی، با اراده راسخ و با عزم مقاوم در مقابل مشکلات پیش برود؛ بن‌بست‌ها را باز کند، کارهای بزرگ انجام دهد. پشتوانه همه این‌ها، این معنویت است. کسی مثل امام بزرگوار ما که یک‌تنه وارد شد و توانست به برکت عزم و اراده راسخ و ایمان و توکل، همه ملت را بسیج کند و این حرکت عظیم را راه بیندازد، بیش از هر چیز متکی بود به همان جوشش قلبی، معنوی، روحی، توکل، معرفت، عبادت»^۱

- کارکردهای معنویت

معنویت در فرهنگ ایرانی ریشه عمیقی دارد^۲ اما با ورود اسلام و تعالیم آن به فرهنگ ایرانی، این واژه معنا و مفهوم واقعی و عمق‌تری یافت؛ و مفهوم آن را از توجه به امور غیرمادی و امور

۱ - بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اقشار مختلف مردم از استان‌های مازندران، گیلان، گلستان و کهگیلویه و بویراحمد، در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۲۵ نقل از <https://farsi.khamenei.ir/speech>

۲ - در جهان‌شناسی کهن ایرانیان، دینا از دو عرصه تشکیل می‌شد. عرصه مادی به نام گیتی و عرصه غیر مادی به نام مینو؛ بسیاری معتقدند که واژه معنوی معرب (عربی شده) مینو می‌باشد.

غیرملموس وسیع تر و معنویت را به ایمان آوردن به عالم و امور ماورایی، به خداوند، به وقوع قیامت و برقراری عدالت الهی در آخرت، وجود بهشت و دوزخ و ... تبدیل نمود. در فرهنگ اسلامی اولین ویژگی انسان مؤمن، معنویت است^۱ چراکه این اعتقاد زیربنای خداشناسی و شالوده بسیاری از اصول اعتقادات اسلام و به طور کلی ادیان است. در جهان بینی اسلامی، جهان هستی مجموعه ای از عالم شهود یعنی همین عالم ظاهر و ماورای آن، عالم غیب است. در بیان قرآن، این دو عالم باهم ارتباط نزدیک و متقابلی دارند، به گونه ای که تقدیرات این دنیا از عالم غیب می رسد^۲ و دقیقاً آنچه انسان انجام می دهد، بازتابی تأثیرگذار در عالم غیب دارد.^۳

«معنویت» به عنوان اعتقاد به جهانی، ماورای این عالم و باور به اینکه این دنیا و حوادث آن به نوعی با جهان ماورا ارتباط دارد، یکی باور دیرینه است. با بررسی تاریخ ملل می تواند دریافت که رابطه معناداری بین میزان اعتقاد به معنویت و کیفیت رویاروی ملت ها با حوادث، بلایای طبیعی و به طور کلی بحران ها فرارویشان وجود داشته است. این واقعیت از کارکردهای اعتقادات معنوی ریشه گرفته و می گیرد. البته میزان تأثیر این کارکردها رابطه مستقیمی با کیفیت، میزان واقعیت و اصالت این اعتقادات دارد. از آنجا اعتقادات معنوی ما ایرانیان ریشه در تعالیم حقه اسلام دارد؛ و از آنجاکه این تعالیم در قرآن به عنوان معجزه رسالت پیامبر اکرم (ص) و خاتم کننده سلسله رسولان الهی، بیان شده است، لذا می توان باور داشت که اعتقادات معنوی در ملت ما از تمام اعتقادات دیگر ملل دنیا واقعی تر و عمیق تر است لذا اگرچه، شاید همانندی های بین کارکرد اعتقادات معنوی در ملل دیگر داشته باشد اما کارکردهای این اعتقادات در زندگی و رفتارهای فردی و جمعی ما مؤثرتر و قوی تر است، در اینجا به ذکر مهم ترین آن ها می پردازیم.

۱ - قرآن، بقره ۲ و ۳ «... هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...» «... هدایتی برای متقیان است، کسانی که به عالم غیب ایمان دارند...»

۲ - قرآن، قدر ۴ «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ»، «ملائکه به امر خدا (جهت تقدیر) در همه امور، به تدریج نازل می شوند»

۳ - قرآن، زلزال ۷ و ۸ «وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»، «پس هر کس به قدر ذره ای کار نیک کرده باشد (پاداش) آن را خواهد دید. و هر کس به قدر ذره ای کار زشتی مرتکب شده آن هم به کیفرش خواهد رسید.»

۱- توکل (بر خور داری از حامی مقتدر)

یکی از کارکردهای مهم معنویت در مدیریت بحران، ایجاد نوعی احساس مثبت در انسان، در برخورداری از حامی مقتدر است. هر انسان معنوی ای که به خدا معتقد باشد، بر اساس رابطه عبادی که با او دارد، از نوعی احساس حمایت از سوی معبودش برخوردار می شود. احساسی که به او قوت قلب می دهد. این احساس در یک ایرانی مؤمن بسیار قوی تر است. زیرا او به وجود خداوند متعالی که کل امور جهان را در اختیار و کنترل اوست یقین دارد. او می داند که بدون اذن و اطلاع مالک مقتدر عالم هستی، هیچ اتفاقی در دنیا به وقوع نمی پیوندد. این پیامی است که قرآن به او می دهد: «ای انسانها بدانید که) کلیدهای خزائن غیب نزد خداوند است، کسی جز او بر آن آگاه نیست و نیز آنچه در خشکی و دریاست همه را می داند و هیچ برگی از درخت نمی افتد مگر آنکه او آگاه است و نه هیچ دانه ای در زیر تاریکی های زمین و نه هیچ تر و خشکی، واقع نمی شود جز آنکه در کتابی مبین (تقدیرات) مسطور است».^۱

وقتی انسان باور داشته باشد که خداوند امور جهان را تقدیر می کند و ملائکه الهی مأموران توانمندی هستند که همه امور جهان را به اراده و خواست خداوند حکیم مدیریت می کنند، دیگر تحولات متغیر طبیعت و زندگی خود را آشفتنگی نمی داند و به خدا توکل می کند. از این رو خداوند به بندگان توصیه می کند «بر خدای زنده ابدی که هرگز نمیرد توکل کن و به ستایش ذات او وی را تسبیح گو».^۲

مفهوم این آیه آن است که انسانی یا جامعه ای که به خدای مقتدر توکل کند و خود را در پناه او قرار دهد، بهترین و عاقلانه ترین عمل ممکن را در زندگی پرخطرش انجام داده است. چراکه او تنها قادر متعال و مدبر حکیم این دنیا است و آنچه او بخواهد، همان می شود. دستاورد این گونه اعتقادات معنوی برای معتقدان در هر فرهنگی که باشد، ایجاد نوعی احساس ایمنی و در پناه بودن، است؛ احساسی که در عرصه آمادگی و مقابله با بحران بسیار مؤثر خواهد بود و البته در فرهنگ معنوی اسلام این آرامش در مؤمنان عمیق تر و واقعی تر تجلی می کند، که فرمود «مؤمنان کسانی هستند که به

۱. قرآن، انعام ۵۹ «وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ»

۲. قرآن، فرقان ۲۵ «وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَى بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا»

خدا ایمان آورده و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد، آگاه شوید که تنها یاد خدا آرام‌بخش دل‌هاست.^۱

البته در فرهنگ اسلامی این احساس تنها یک حالت روحانی در انسان نیست که تنها از ذهن و روان فرد مؤمن یا از نوعی تلقین، ریشه گرفته باشد، بلکه این حالت در حقیقت نوعی دستاورد و نتیجه واقعی است که خداوند در پاداش این توکل و باور معنوی به انسان عرضانی می‌نماید. چنانکه فرمود «اوست خدایی که سکینه و وقار را بر دل‌های مؤمنان بخشید تا بر یقین و ایمانشان بیفزاید، و سپاه قوای آسمان‌ها و زمین، همه لشکر خدا هستند و خدا بسیار دانا و حکیم است».^۲

۲- تأثیر گذاری بر تقدیرات

باید توجه داشت که فرد و جامعه‌ای که در روند زندگی خویش و بر اساس اعتقادات معنوی‌اش، به خداوند متعال توکل می‌کند، علاوه بر برخورداری از نوعی احساس ایمنی و در پناه بودن، از اثرات مثبت وضعی و واقعی این عمل در زندگی و سرنوشت خویش نیز بهره‌مند می‌شود. چنانکه خداوند فرموده «هر که بر خدا توکل کند خدا او را کفایت خواهد کرد که خدا امرش را نافذ و روان می‌سازد و بر هر چیز قدر و اندازه‌ای مقرر داشته است».^۳

در حکایت پندآموز قرآن از اقوام «یونس» پیامبر (ع) یعنی مردم کافر و بی‌اعتقاد شهر «نینوا» نقل شده است «وقتی که قوم یونس (بادید نشانه‌ها الهی) ایمان آوردند، عذاب رسواکننده را در زندگی دنیا از آنان برطرف کردیم و آنان را تا پایان عمرشان [از الطاف و نعمت‌های خود] برخوردار نمودیم».^۴ این حکایت مؤید آن است که انسان می‌تواند با واقعی نمودن اعتقادات معنوی و تقویت آن‌ها و سپس برقراری یک رابطه صمیمی عبودیت بین خود و مالک مقتدر و مهربان عالم هستی، بر تقدیرات زندگی خود اثر مثبتی داشته باشد.

۱. قرآن، رعد ۱۳ «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»

۲. قرآن، فتح ۴۸ «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا»

۳- قرآن طلاق ۳ «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»

۴. قرآن، یونس ۹۸ «... قَوْمٌ يُونُسُ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ»

جالب آنکه در فرهنگ اسلامی به این نوع کارکرد معنوی توجه خاصی شده و در آیات متعددی را به کارآمدی این کارکرد معنوی تأکید دارند. کارکردی که در عرصه پیشگیری و مقابله، در مبحث مدیریت بحران بسیار مؤثر است. این آیات از محورهای مختلف اثرگذاری انسان بر سرنوشت خود را بیان نمود است. برخی از این محورها (به اختصار) عبارت اند از:

- شکر گذاری منظم و صحیح از نعمات خداوند سبب افزونی نعمت می شود.^۱
- پذیرش هدایت الهی سبب نجات از عذاب بزرگ در این دنیا می گردد.^۲
- درک ربوبیت خداوند و رعایت تقوی و بندگی سبب نجات از بلا می شود.^۳
- درک قدرت الهی درخواست کمک و برطرف شده شرور می گردد^۴
- نتیجه اعمال نیک، زندگی نیکو در دنیا و عاقبتی نیکو در آخرت خواهد بود.^۵

البته باور بر اثر گذاری اعتقادات معنوی و عمل های مثبت انسان بر سرنوشت فرا روی خویش، یک اعتقاد کهن در همه ادیان است، و گرنه دعا و درخواست از خداوند، در هیچ آیینی معنا نمی داشت. واقعیت آن است که انگیز تمام عبادتی که در میلیون ها معبد در مذاهب مختلف و مناسک مذهبی متفاوت در دنیا برگزار می شود، همین باور و اعتقاد است که ارتباط معنوی ما با خداوند بر کیفیت زندگی انسان اثر مستقیم و تعیین کننده ای دارد. این باور برای یک مسلمان، با توجه به تأکیدات قرآنی، از مبانی اعتقادات دینی محسوب می شود از این رو باید تمام عرصه های چهارگانه مدیریت بحران، به ویژه در عرصه پیشگیری و آمادگی، حتی مقابله، برای آن اهمیت خاصی قائل شد. کارکردی که دنیای مدرن مادی گرا از آن و قابلیت مهم آن در مدیریت بحران، غافل است.

۳- معنا پذیر ساختن بحران ها

شهر «لیسبون» ایتالیا، ساعت های ابتدایی بامداد یک روز تعطیل در سال ۱۷۵۵ بود و مؤمنان مشغول نیایش در کلیسا و برخی نیز در حال تماشای جشن مذهبی «توسن» بودند که زمین در

۱. قرآن، ابراهیم ۷

۲. قرآن، اعراف ۷۲

۳. قرآن، یونس ۹۸

۴. قرآن، نحل ۵۳ و ۵۴

۵. قرآن، اعراف ۹۶

مقیاس ۷/۵ تا ۹ ریشتر لرزید. سقف کلیسا بر سر نیایش کنندگان فروریخت و آنان را به کام مرگ کشید، آنانی که خوش شانس بودند و از هجوم ستون‌ها و سقف جان سالم به دربردند، توسط امواجی که از اقیانوس به سمت‌شان آمد احاطه و در اعماق اقیانوس مدفون شدند.^۱

لیسبون در این حادثه ۸۵٪ از شهروندانش را از دست داد، پس از زلزله در این شهر که مرکز فکری آموزه‌های کاتولیک اروپایی بود، این پرسش مطرح شد که حالا مذهب چه پاسخی در برابر این واقعه دارد؟ که چرا چنین زلزله‌ای به وقوع پیوسته است؟ کلیسای کاتولیک و پروتستان هر دو برقرار گرفتن مشیت الهی در توجیه این فاجعه اصرار می‌ورزیدند؛ «والا گریدا»، کشیش معروف آن زمان در اولین سالگرد این زلزله رونق تئاتر و موزیک و رقص و گلوبازی را دلیل فاجعه بزرگ لیسبون دانسته و از مردم شهر خواست، توبه کنند. اما مبلغان پروتستان، وجود دادگاه تفتیش عقاید و فساد حاکم بر کلیسای کاتولیک را علت واقع این فاجعه می‌دانستند. از سویی دیگر روشنفکران غیرمذهبی مثل «والتر»، «کانت» و «آدرنو» نظرات انتقادی متفاوتی در این خصوص ابراز کردند. آنچه برای آن‌ها در این زلزله حائز اهمیت بود مسئله شر نزد فیلسوفان آن دوره بود. پس‌از آن بود که بحث تمایز گذاری میان شر طبیعی و شر اخلاقی در میان اندیشمندان در گرفت و ...^۲

این مثال تاریخی نشان می‌دهد که معنا پذیری بلا یای طبیعی چقدر مهم است. شاید یکی از آزاردهنده‌ترین جنبه بحران‌ها، نیافتن دلیل منطقی برای وقوع و گرفتار شدن در آن است! این سؤال که چرا من؟! چرا در این زمان؟! آیا من مقصر بودم یا تقدیر (نعوذبالله) غیرمنصفانه خدا است؟! این‌گونه سؤالات گاه از خود فاجعه تخریب‌کننده‌تر هستند. یکی از مهم‌ترین کارکردهای اعتقادات معنوی در مدیریت بحران به‌ویژه در عرصه آمادگی و حتی در عرصه مقابله، معنا بخشی به بحران‌هاست.

ارمغان باورهای معنوی به‌ویژه در اسلام و برای ما ایرانیان، معنویت عمیق و واقعی است که در سایه تعالیم الهی قرآن، برای سؤالات ذکر، پاسخ‌های معقول و دقیقی ارائه می‌دهد. خداوند در قرآن و در پاسخ به چرایی ناکامی‌ها غیرقابل توجیه مؤمنان و برخی حوادث نامطلوب و غیرمترقبه بر

1 -Between History and Periodicity: Printed and Hand-Written News in 18th-Century Portuga

۲. شماره خبر: ۵۱۲۷۰۸، فاطمه باباخانی، شماره روزنامه: ۲۸۴۹: دنیای اقتصاد، تاریخ چاپ ۱۳۹۱/۱۱/۱۵

نیکوکاران، فرموده است: «و البته شمارا به پاره‌ای از سختی‌ها چون ترس و گرسنگی و نقصان در اموال و جان‌ها و آفات زراعت می‌آزماییم، و صابران را بشارت و مژده (پاداش) بده، آنان که چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شوند (صبوری پیش کرد و) گویند: ما به فرمان خدا آمده‌ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد.»^۱

البته قرآن در نبین علت وجود شرور عوامل دیگری را نیز ذکر می‌کند، و به انحای مختلف حوادث و بلاهای طبیعی را معنا می‌نماید.

- مثلاً در خصوص وقوع جنگ بین مؤمنان با کفار یا ظالمان، فرموده است. «حکم جهاد بر شما مقرر گردید و حال آنکه بر شما ناگوار و ناپسند است، لکن چه بسیار شود که چیزی را بد می‌دانید ولی به حقیقت خیر و صلاح شما در آن است، و چه بسیار شود چیزی را دوست دارید و در واقع شر و فساد شما در آن است، و خدا (به مصالح امور) داناست و شما نادانید.»^۲

- و یا در تبیین برخی دیگر از شرور مثل «پیری» که اقتضای ذاتی عالم مادی و روند امور طبیعی هستند، بیان می‌دارد «که ما انسان را به حقیقت در (میان) رنج و مشقت آفریدیم.»^۳

- همچنین و در تشریح برخی دیگر از شرور که نتیجه اعمال انسان است. می‌فرماید: «فساد و پریشانی به سبب اعمال بد خود مردم در زمین و دریا پدید آمد تا خدا تا هم کيفر بعضی اعمالشان را به آن‌ها بچشانند، باشد که (از گنه پشیمان شده و به درگاه خدا) بازگردند.»^۴ همچنین تأکید می‌کند «و آنچه از رنج و مصائب به شما می‌رسد همه از دست (اعمال زشت) خود شماست، در صورتی که خدا بسیاری از اعمال بد را عفو می‌کند.»^۵

۱. قرآن، بقره ۱۵۵ و ۱۵۶ «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالتَّمَرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابْتَهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»

۲. قرآن، بقره ۲۱۶ «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَن تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»

۳. قرآن، بلد ۴ «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ»

۴. قرآن، روم ۴۱ «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»

۵. قرآن، شورا ۴۲ «وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ»

- و اما در توضیح برخی دیگر از شرور، آنان را در دنیا جهت بیدارباش و تنبه انسان قلمداد نمود و می‌فرماید «و البته ما کافران را عذاب نزدیک‌تر (و دنیایی) بچشائیم، غیر آن عذاب بزرگ‌تر و شدیدتر (قیامت) تا مگر (متنبه شده) بازگردند.»^۱

- و در بیان علت بروز مشکلات و شرایط سخت در زندگی، آن را تدبیری می‌خواند که خداوند حکیم برای بروز و شکوفایی استعدادهای آدمیان تدارک دیده است و نوید می‌دهد که در پی این سختی‌ها دستاوردهایی خواهید داشت که شمارا به سهولت بهره‌مندی و سعادت می‌رساند. چنانکه فرمود «پس (بدان که به لطف خدا) با هر سختی البته آسانی هست و با هر سختی البته آسانی هست»^۲

۴- عمق دادن به نگرش

از دیگر کارکردهای مهم و مؤثر معنویت در مدیریت بحران، عمق‌بخشی به نگرش انسان به جهان و وقایع آن است. شاید یکی از زیباترین نقل‌هایی که در این زمینه شده، حکایت موسی (ع) و خضر نبی (ع) در قرآن کریم باشد. این داستان واقعی را در آیات ۶۰ الی ۸۲ سوره «کهف» می‌خوانیم که «... (موسی و همراهش) در آنجا، بنده‌ای از بندگان خاص ما را یافتند که رحمت و لطف خاصی از سوی خود به او عطا کرده بودم؛ و هم به او علم (اسرار غیب الهی) آموخته بودیم. موسی به آن شخص دانا (خضر) گفت: آیا ممکن است من تو را تبعیت (و شاگردی) کنم تا از علم ماورایی خود به من نیز بیاموزی؟»

آن حکیم پاسخ داد که تو هرگز نمی‌توانی که با من صبر پیشه کنی (و تحمل کنی)! زیرا چگونگی می‌توانی بر چیزی که از حقیقت آن آگاهی کامل نداری، طاقت بیاوری؟ موسی گفت به خواست خدا مرا با صبر و تحمل خواهی یافت و هرگز در هیچ امر با تو مخالفت نخواهم کرد. آن عالم گفت، پس اگر تابع من شدی دیگر از هر چه من کنم هیچ سؤال مکن تا وقتی که من خودتو را از راز آن آگاه سازم.

۱. قرآن، سجده ۲۱ «وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»

۲. قرآن، انشراح ۵ و ۶ «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»

سپس باهم راه افتادند تا وقتی که به کشتی سوار شدند. حکیم (در نزدیک ساحل) کشتی را سوراخ کرد، موسی گفت ای مرد چرا کشتی را تخریب می کنی، مگر می خواهی که مسافران آن را در دریا غرق کنی؟! بسیار کار ناپسند و عجیبی انجام دادی! خضر گفت آیا من نگفتم که هرگز ظرفیت و توانایی آنکه با من صبر کنی نداری؟ موسی گفت (اشتباها کردم، این بار را) بر من ندیده بگیر، که شرط خود را فراموش کردم و مرا تکلیف سخت طاقت فرسا نفرما.

و بازهم روان شدند تا به پسری برخوردند، حکیم پسر را (ناگهان و بی گفتگو) به قتل رسانید. باز موسی گفت: چرا یک بی گناهی را که کسی نکشته بود به قتل رساندی؟! همانا عمل بسیار منکر و ناپسندی کردی! گفت آیا به تو نگفتم که تو هرگز ظرفیت آنکه بر اعمال من صبر کنی، نخواهی داشت؟ موسی گفت اگر بار دیگر به تو اعتراضی کردم آنگاه، حق دارای که با من قطع رفاقت کن که از (ناتوانی) من عذر موجه (برای قطع دوستی) به دست خواهد آمد.

باز باهم به راه افتادند تا وارد بر شهری شدند و از اهل آن شهر طعام خواستند، مردم از طعام دادن و مهمانی آن ها ابا کردند (در هنگام خروج) و در (نزدیکی دروازه) شهر به دیواری که در حال فروریختن بود رسیدند. حکیم به استحکام و تعمیر آن دیوار پرداخت. باز موسی گفت روا بود که بر این کار اجرتی می گرفتی! حکیم گفت با این (اعتراض سوم، زمان) مفارقت بین من و تو فرارسید، (اما قبل از جدا شدن) حالا تو را از دلایل اعمالم که بر فهم آن ظرفیت نداشتی، آگاه می سازم.

اما آن کشتی، صاحبش خانواده فقیری بود که در دریا کار می کردند. آن روز پادشاه در سر راه، کشتی های سالم را غضب می کرد. خواستم آن را ناقص کنم (تا برای ایشان باقی بماند). و اما آن پسر (نااهل بود ولی) پدر و مادر او مؤمن بودند، از آن بیم داشتیم که آن پسر والدینش را به خوی کفر و طغیان خود درآورد. خواستیم تا به جای او خدایشان فرزندی بهتر و صالح تر و مهربان تر به آن پدر و مادر بخشد. و اما آن دیوار که متعلق به دو طفل یتیمی بود که در آن شهر می زیستند. آن ها پدری صالح داشتند که زیر آن دیوار گنجی برای آن دو فرزندش، نهفته بود، خدا می خواست تا به لطف

خود، آن اطفال به حد رشد برسند و خودشان گنج را استخراج کنند. و من این کارها نه به خواست خود (بلکه به امر خدا) کردم. این است باطن کارهایی که تو طاقت و ظرفیت بر انجام آن نداشتی.^۱

الحق که، آنچه تعالی اسلامی در این عرصه به انسان ارائه می‌دهد بی‌نظیر و بدیع است. گویا خداوند حکیم رؤف در قرآن و با تعالیم ارزشمند آن، دست انسان را گرفته بارانمایی خویش، او را از کوهپایه، بالا و بالا می‌برده تا از قله ایمان، تجلی برتر و واقعی‌تری را از جهان هستی، به انسان ارائه می‌دهد. در این تجلی جهان بسیار وسیع‌تر و افق آن را بسیار عمیق‌تر از قبل می‌نماید! لذا حوادث در آن نگرش به گونه دیگر معنای می‌یابد. در این حکایت خداوند تأکید می‌نماید که درک عمیق و درست از حوادث دنیا، نیاز معنوی عمیق‌تر و واقعی‌تر دارد و آن کسی که از این معنویت برخوردار نباشد قطعاً تصور بسیار ضعیف‌تری نسبت به وقایع عالم هستی و تقدیرات خود در آن خواهد داشت.

با این توضیحات، مسلم است که یک ایرانی مسلمان که در مکتب اهل بیت (ع) با معنویت عمیق و واقعی اسلام مأنوس گردیده، در مواجهه با بحران‌های غیرمترقبه، دچار آن تنش‌های بزرگ فکری و فلسفی که در جهان مسیحیت بر سر زلزله شهر لیسبون پدید آمد، نخواهد شد. زیرا در بیان اسلام، شرور از ابزار ربوبیت الهی هستند و با درک فلسفه وجودی آن‌ها می‌توان با حکمت و متانت با آن‌ها روبرو شده، بهره‌مند و موفق از آن عبور کنند. این کارکرد در مدیریت بحران بسیار مؤثر و کارساز خواهد بود به‌ویژه در عرصه آمادگی و مقابله با بحران‌های ناشی از بلایای طبیعی!

۱. قرآن، کهف ۶۵ الی ۸۲ «فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَبِعَكَ عَلَىٰ أَنْ تَعْلَمَ مِنْ مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا قَالَ إِنْ كُنْتَ تُسْتَطِيعُ مَعِيَ صَبْرًا وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خَيْرًا قَالَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ أَحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا ۚ فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخْرِقْتُهَا لِتَغْرُقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا إِمْرًا قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنْ كُنْتَ تُسْتَطِيعُ مَعِيَ صَبْرًا قَالَ لَا تُوَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتَ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عَسْرًا ۚ فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقَتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا نَكْرًا قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنْ كُنْتَ تُسْتَطِيعُ مَعِيَ صَبْرًا قَالَ إِنْ سَأَلْتِكِ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبْنِي قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّي عُذْرًا فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا أَتِيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطَعَا أَهْلُهَا فَأَتَوْا أَنْ يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقُضَ فَاقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا ۗ قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا ۗ أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا ۗ وَ أَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنِينَ فَخَشِينَا أَنْ يَرِهُمَا طَغْيَانًا وَ كَفَرًا فَأَرَدْنَا أَنْ يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَةً ۗ وَ أَقْرَبُ رَحْمًا ۗ وَ أَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَ كَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَ كَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ ۗ وَ مَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكِ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا ۙ»

۵- آرامش بخشی و ارتقای تاب آوری

از دیگر کارکردهای معنویت، آرامش بخشی و بردباری به بحران زدگان و مسئولان است.^۱ این باور که همه چیز در اختیار و کنترل خداوند مقتدر ماست،^۲ در نحوی اجرا و کیفیت مدیریت بحران، بسیار مؤثر خواهد بود. خداوند در قرآن، ضمن اشاره به لحظات پرمخاطره ابتدای هجرت پیامبر اکرم (ص) از مکه و مدینه، به این حقیقت تأکید دارد که:

«اگر پیامبرم را یاری ندهید، یقیناً خدا او را یاری می‌دهد؛ چنان‌که او را یاری داد هنگامی‌که کافران از مکه بیرونش رانند. درحالی‌که آن دو تن در غار [ثور نزدیک مکه] بودند، یکی از آنها (پیامبر) به همراهش (ابوبکر) گفت: اندوه به خود راه مده، خدا با ماست. پس خدا آرامش خود را بر (قلب) پیامبرش نازل کرد، و او را با لشکریانی که شما نمی‌دیدید، نیرومند ساخت، و حکم و گفته کافران را پست‌تر قرارداد، و حکم و گفته خداست که حکم و بیان والاتر و برتر است؛ و خدا توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.»^۳

این عبارت گویای این است اگر معنویت در جامعه تقویت شود. پایداری، تحمل و تاب‌آوری آن نیز در بحران‌ها بیشتر خواهد شد. این کارکرد در همه عرصه‌های چهارگانه مدیریت بحران می‌تواند تأثیرگذار باشد اما شاید بیشتر در عرصه آمادگی و مقابله مؤثر است. شاید یکی از گویاترین بیان این آرامش خاطر، عزل زیبایی سعدی باشد که گفت:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

به غنیمت شمر ای دوست دم عیسی صبح تا دل‌مرده مگر زنده کنی کائن دم از اوست

نه‌فلک راست مسلم نه ملک را حاصل آنچه در سر سویدای بنی‌آدم از اوست

۱. قرآن، رعد ۱۳ «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»

۲. قرآن، انعام ۵۹ «وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ

فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ»

۳. قرآن، توبه ۴۰ «إِنَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِي اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا

تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا

وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»

به حلاوت بخورم زهر که شاهد ساقی است به ارادت بیرم درد که درمان هم از اوست

زخم خونینم اگر به نشود به باشد نک آن زخم که هر لحظه مرا مرهم از اوست

غم و شادی بر عارف چه تفاوت دارد ساقیا باده بده شادی آن کائن غم از اوست

سعدیا گر بکند سیل فنا خانه عمر دل قوی دار که بنیاد بقا محکم از اوست^۱

۶- معقول سازی ایثار

کلمه «ایثار» به معنی برگزیدن و مقدم داشتن سود دیگران بر منفعت خویش^۲، از واژه‌های بسیار ارزشمند و پرمعنایی در فرهنگ بشری است. این مفهوم همراه با فداکاری و از خودگذشتگی، جلوه‌های شکوهمندی از رشادت و شجاعت انسان‌های بزرگ را در تقابل با بحران‌ها فرا روی خویش و جامعه آنان، در تاریخ، فرهنگ بشری پدید آورده است. تقریباً در تاریخ ملی و مذهبی هر ملتی قهرمانانی بوده‌اند که الگوی برجسته این صفت والای انسانی باشند. البته این صفت برجسته تنها می‌تواند در سایه یک معنویت قوی و عمیق در انسان تحقق می‌یابد، یعنی بدون مفاهیم چون، رضای خدا، سعادت آخروی، تعالی روحانی و ...، شاید هیچ ایثاری توجیه چندان معقولی نداشته باشد. چنانکه رهبر معظم انقلاب در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، فرمودند «اعتقاد (معنوی) به امتداد نتایج عمل، ایثار و جهاد را معنا می‌بخشد و منطقی می‌کند»^۳.

۷- ارتقاء انگیزه‌های بهسازی جامعه

از دیگر کارکردهای معنویت در مدیریت بحران، تقویت انگیزه‌های بازسازی و بهسازی جامعه پس از مقابل و کنترل و عبور بحران است. گاه تخریب یک بلای طبیعی و یا یک جنگ خانه‌مان سوز، آن‌چنان سنگین است که امید و انگیزی برای بازسازی و ترمیم ویرانی‌ها در بازماندگان باقی

۱. غزلیات سعدی، غزل شماره ۱۳

۲. لغتنامه دهخدا و معیین ذیل واژه «ایثار»

۳. رهبر معظم انقلاب در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، در تاریخ ۱۰/۰۹/۱۳۸۹

نمی‌گذارد. تعالیم اسلامی، به همیاری و تعاون، به‌ویژه در امور عام‌المنفعه و حرکت‌های جمعی تأیید شده است. و فرمود «باید به یکدیگر در نیکوکاری و تقوا داشتن کمک کنید»^۱. به‌ویژه آنکه «پس هر کس به‌قدر ذره‌ای کار نیک کرده باشد (پاداش) آن را خواهد دید و هر کس به‌قدر ذره‌ای کار زشتی مرتکب شده آن‌هم به کیفرش خواهد رسید»^۲. و انسان باید بداند که «برای آدمی جز آنچه به سعی و عمل خود انجام داده (ثواب و جزایی) نخواهد بود»^۳.

۸- امیدبخشی

امیدبخشی از جمله کارکردها و نقش‌های ممتاز معنویت در فرد و جامعه است. امید به معنای «توقع برخورداری از روزها و شرایط نیکوتری در آینده»، بزرگ‌ترین نیروی حیات‌بخش انسان است، اگر امید نبود جامعه بشری هرگز زیر بار این همه فجایع طبیعی، جنگ‌های بزرگ و کشتارهای فجیع، مجال حیات نمی‌یافت.

- نتیجه‌گیری

در عصر حاضر، علی‌رغم پیشرفت علم و افزایش سطح رفاه، مسائل زندگی بشر پیچیده‌تر شده است. مسائل زیست‌محیطی و آلودگی‌ها گسترده طبیعت، شرایط را برای انسان پرمخاطره ساخته است. شرایطی که هر لحظه مستعد بروز وقایعی تهدیدکننده و بحران‌زا می‌باشند. تنوع و گسترش بحران‌های ناشی از تلاطم و بی‌ثباتی شرایط زندگی در دنیای امروز باعث ایجاد دغدغه‌های اساسی برای بشریت گردیده است. از این رو مقوله مدیریت بحران به‌عنوان راهکاری برای به‌کنترل درآوردن شرایط مخاطره‌آموز زیستی و اجتماعی، به یک مبحث سیاسی اجتماعی مهم و جدی تبدیل شده است. چنانکه هم‌اکنون این نوع مدیریت به‌عنوان یک‌رشته سطح بالای مدیریتی در بسیاری دانشگاه‌های بزرگ دنیا تدریس می‌شود.

۱. قرآن، مائده ۲ «... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى ...»

۲. قرآن، زلزال ۷ و ۸ «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»

۳. قرآن، نجم ۵۳ «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»

از سوی دیگر، رفتارهای متفاوت جوامع در مقابل با بحران‌ها نشان می‌دهد که تنها میزان پابندی بر محاسبات علم مدیریت و استفاده از قانون احتمالات و دقت در به‌کارگیری اصول پدافند غیرعامل، تعیین‌کننده نتیجه نیست، بلکه معیارهایی مانند نوع فرهنگ و نگرش جهان‌شناختی و به‌طورکلی «معنویت»، نقش مهمی در عکس‌العمل انسان یا جوامع در مواجهه و سپس مقابله با بحران‌ها دارد.

معنویت به‌عنوان اعتقاد به جهانی، ماورای این عالم و باور به اینکه این دنیا و حوادث آن به‌نوعی با جهان ماورا ارتباط دارد، یک باور دیرینه است. با بررسی تاریخ ملل می‌تواند دریافت که رابطه معناداری بین میزان اعتقاد به معنویت و کیفیت رویاروی ملت‌ها با بحران‌ها فرارویشان وجود داشته است. از آنچه در این نوشتار تدوین شد دریافتیم که معنویت با راهکارهایی مانند، «توکل» (برخورداری از حامی مقتدر)، «تأثیرگذاری بر تقدیرات»، «معنا پذیر ساختن بحران‌ها»، «عمق دادن به نگرش»، «آرامش بخشی و ارتقای تاب‌آوری»، «معقول سازی ایثار»، «ارتقاء انگیزه‌های بهسازی جامعه»، «امیدبخشی» و ... نقش مهمی در مدیریت بحران‌های فردی و اجتماعی ایفا می‌کند. لذا مقوله معنویت و تقویت آن در فرد و جامعه تنها یک مبحث اعتقادی و مذهبی نیست بلکه آن را باید یک مبحث مدیریتی و امنیتی نیز در نظر گرفت و برای تقویت آن و تأثیرگذاری بیشتر معنویت در زندگی فردی و اجتماعی جوامع، برنامه آموزشی و فرهنگی مؤثری تدوین نمود.

البته در فرهنگ ملل جهان و در طول تاریخ اشکال مختلفی از معنویت تجلی یافته است، برخی ضعیف و سطحی، برخی قوی و عمیق، بعضی موهوم و غیرواقعی و بعضی حقیقی و واقعی، بدیهی است تأثیرگذاری انواع این معنویت‌ها یکسان نیست، بلکه معنویت واقعی و عمیقی مانند معنویت که اسلام در تعالیم الهی قرآن و بیانات رسول اکرم (ص) و اهل‌بیت ایشان (ع) به انسان‌ها ارائه می‌دهد، اثرگذاری عمیق‌تر و کارآمدتری دارد. لذا ما ایرانیان با توجه به زیستگاه ویژه و بحران‌خیزمان و شرایط سیاسی اجتماعی و اعتقادی خاصی که از آن برخورداریم، نیاز جدی‌تری به تعمیق و تقویت معنویت اسلامی در جامعه داریم. همان‌گونه خداوند می‌فرماید: یا ایها الذین آمنوا، آمنوا بالله و رسوله!

باری، باید اذعان داشت که برای ما مسلمانان معنویت به‌عنوان پناهگاهی امن به زندگی فرد بحران‌زده معنا می‌بخشد و این همان چیزی است که هدف درمانگران جسمی و روحانی است. افزایش تاب‌آوری و امیدواری و در نتیجه استحکام روانی و جسمی از نتایج معنا بخشی به زندگی در

سایه معنویت است. ممکن است عده‌ای بر این باور باشند که وصول به معنویت طرق مختلفی دارد اما پوشیده نیست که بهترین راه برای دستیابی به معنویت دین است و با درک صحیح از دین و معنویت و فهم دقیق از مفهوم و ماهیت آن‌همه انبای بشر با هر ملیت و مذهبی لزوم دین و دین‌داری و معنویت‌گرایی را درک خواهند کرد.

به‌راستی برخورداری از معنویت اسلامی و مؤلفه‌های آن، انسان را در شرایط سخت و در بحران‌های مختلف روانی حاکی از شرایط نامناسب اجتماعی به‌سلامت گذر داده است. بنابراین ضمن تأکید بر اینکه ماهیت و غایت‌مندی علم و دین متفاوت بوده و لذا تقابل و تخالفی در آن‌ها وجود ندارد، بلکه آموزه‌های دینی علاوه بر تأمین سلامت روانی و تعالی روحانی با رشد اخلاق فردی و اجتماعی مانند مهرورزی، شفقت، خیرخواهی و خیرخواهی، همدلی و همدردی و مودت، به‌کرات بر علم‌آموزی تأکید کرده و آن را فضیلت و عبادت معرفی می‌کند.

منابع و مأخذ؛

قرآن کریم

۱. خنیفر، حسین (۱۳۸۸)، اصول مدیریت و دیدگاه مدیران، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر
۲. رودگر، محمدجواد (۱۳۸۵)، نقش اخلاق و معنویت در کارآمدی نظام اسلامی، فصلنامه حکومت اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۴، ص ۶۶-۴۱
۳. ریاحی، وحید حامد قادرمرزی (۱۳۹۶)، «مدیریت بحران در نواحی روستایی ایران»، انتشارات آکادمیک، تهران
۴. شیخی نژاد، فاطمه (۱۳۸۹)، مدیریت در پرتو معنویت، تهران، ماهنامه تدبیر، سال ۲۰، ش ۲۰۲
۵. غزلیات سعدی، غزل شماره ۱۳
۶. لغتنامه دهخدا
۷. مشبکی، اصغر و محمد باشکوه، وحیده علیپور، (۱۳۸۵)، معنویت و رهبری، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات مدیریت صنعتی، سال پنجم، شماره ۱۴، ص ۱۷۷-۲۰۰.
۸. ملکیان، مصطفی (۱۳۸۱)، راهی به رهایی، تهران: نگاه معاصر

۹. میرسمیعی، سید محمد و مرتضی چشمه نور (۱۳۹۵)، «مدیریت بحران و مقابله با بلیات»، ناشر انتشارات پشیمان، تهران

۱۰. نادری، ناهید و سعید رجایی پور، (۱۳۸۹)، مدیریت با رویکرد معنوی (شاخص های ارزیابی تحقق معنویت در سازمان)، مطالعات اسلامی در علوم انسانی، سال اول، شماره اول، ص ۱۱۹-

۱۳۸

۱۱. همشهری آنلاین، کد خبر (131058) گزارش هلن صدیق بنای

۱۲. دنیای اقتصاد، (شماره خبر: ۵۱۲۷۰۸، فاطمه باباخانی، شماره روزنامه: ۲۸۴۹)

۱۳. بولتن اولین کنگره بین المللی خواجه نصیرالدین طوسی، دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی ۱۳۸۱

۱۴. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اقشار مختلف مردم از استان های مازندران، گیلان، گلستان و کهگیلویه و بویراحمد، در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۲۵ نقل از

<https://farsi.khamenei.ir/speech>

۱۵. بیانات رهبر معظم انقلاب در نخستین نشست اندیشه های راهبردی، در تاریخ ۱۰/۰۹/۱۳۸۹

<https://farsi.khamenei.ir>

16. "Magnitude 8.9 – NEAR THE EAST COAST OF HONSHU, JAPAN 2011 March 11 05:46:23 UTC". (USGS). Retrieved 11 March 2011.

17. "IAEA Update on Japan Earthquake". IAEA. 16 March 2011. Retrieved 16 March 2011.

18. -<https://www.theguardian.com/world/2011/aug/24/the-school-beneath-the-wave-the-unimaginable-tragedy-of-japans-tsunami>

19. https://www.npa.go.jp/news/other/earthquake2011/pdf/higaijokyo_e.pdf

20. . "World English". NHK. 12 March 2011. Archived from the original on 23 July 2012. Retrieved 12 March 2011.

21. <https://abadis.ir/fatofa>

22. Between History and Periodicity: Printed and Hand-Written News in 18th-Century Portugal

